

رویکرد مدل معادلات ساختاری در آزمون خطر حسابرسی تحت تاثیر تیپ های شخصیتی و ساختار حاکمیت شرکتی

رادمان ملیحی شجاع

گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،
radmanshoja@gmail.com

زهرا لشگری

گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
zahra.lashgari@gmail.com

نگار خسروی پور

گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،
n-khosravipour@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۲/۳۰

چکیده

حسابرسی مبتنی بر ریسک در برگیرنده ی قضاوت حرفه ای قابل توجه در ارزیابی ریسک تحریفات بااهمیت و شناسایی آزمون های کافی و مناسب برای دستیابی به سطح مطلوب ریسک حسابرسی است. جهت ارزیابی سطح مطلوب ریسک حسابرسی، ساختار حاکمیت شرکتی در معرض خطر کنترل هستند، که به نظر می رسد با نگرش و شخصیت مدیریت نسبت به کنترل های داخلی و کیفیت حاکمیت شرکتی تعیین می شود. هدف این پژوهش رویکرد مدل معادلات ساختاری در آزمون خطر حسابرسی تحت تاثیر تیپ های شخصیتی و ساختار حاکمیت شرکتی است. بدین منظور از معیارهای انحراف از استانداردها و قوانین، ساختار حاکمیت شرکتی و ابعاد پنج گانه شخصیت نئو از طریق پرسشنامه استاندارد شخصیت نئو انجام شد. سپس با طرح سوالات بصورت زوجی و تحلیل سلسله مراتبی (AHP) اهمیت معیارهای خطر حسابرسی تعیین گردید. نمونه مورد مطالعه این پژوهش کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۹۶ است. برای آزمون مدل مفهومی پژوهش نیز روش مدل یابی معادلات ساختاری با رویکرد مبتنی بر واریانس و نرم افزار اسمارت پی. ال. اس مورد استفاده قرار گرفته است. یافته های پژوهش حاکی است که بین استقلال هیات مدیره، مالکیت مدیریتی و خطر حسابرسی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. و بین مالکیت نهادی، تمرکز مالکیت عدم معناداری و رابطه منفی وجود دارد. از بین ابعاد شخصیتی نئو؛ برونگرایی، سازگاری، روان رنجوری و پذیرا بودن به ترتیب بر رابطه استقلال هیات مدیره، مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت با خطر حسابرسی رابطه مثبت و معناداری دارد. و تیپ شخصیتی وجدانی بودن رابطه معناداری بر روابط فوق نقش تعدیل گری ندارد.

واژه های کلیدی: خطر حسابرسی، تیپ های شخصیتی مدیران، ساختار حاکمیت شرکتی.

۱- مقدمه

صورت‌های مالی حسابرسی شده یک منبع اطلاعاتی بااهمیت برای سرمایه‌گذاران به منظور ارزیابی اعتبار گزارشگری مالی محسوب می‌شود. حسابرسان مستقل نقش اساسی در افزایش شفافیت گزارشگری مالی و ایجاد اعتماد در بازار سرمایه ایفا می‌کنند. دستیابی به سطحی مطلوب از ریسک حسابرسی و در نهایت کیفیت حسابرسی صورت‌های مالی تابعی از توانایی حسابرسان در برآورد وضعیت حقیقی ریسک تحریف بااهمیت و کیفیت قضاوت‌های حسابرسان درباره‌ی ماهیت و کفایت شواهد لازم برای دستیابی به سطح مطلوب ریسک حسابرسی است.

به منظور غلبه بر کاستی‌های مدل‌های حسابرسی قبلی، هم‌قانون‌گذاران و هم‌شرکت‌های حسابرسی، مدل حسابرسی و رویه‌های حسابرسی را مجدداً طراحی کرده‌اند. به عنوان مثال، شورای گزارشگری مالی چارچوب کیفی حسابرسی (شورای گزارش مالی، ۲۰۰۸) را صادر کرد که به بررسی عواملی می‌پردازد که بر کیفیت حرفه حسابرسی تأثیر می‌گذارند. برخی از آنها تحت مسئولیت حسابرسان هستند، در حالی که برخی دیگر این‌گونه نیستند. از سوی دیگر، پرایس واتر هاس کوپرز^۱ (شرکت چهار حسابرسان بزرگ) دستورالعملی را برای ارزیابی خطرات شخص ثالث منتشر کرده‌است. از جمله مواردی که خارج از کنترل حسابرسان است، قدرت حاکمیت شرکتی این شرکت‌ها است. از سوی دیگر، پس از بحران مالی جهانی، حسابرسان تلاش بیشتری در ارزیابی ریسک حسابرسی مشتریان خود انجام می‌دهند، چراکه حسابرسان نسبت به ریسک مشتریان خود آگاهی کمتری دارند، بنابراین آن‌ها ممکن است بخواهند به غیر از اطلاعات حسابداری اجباری به فاکتورهای دیگری نیز تکیه کنند. آنچه هنوز در ادبیات مشخص نیست مجموعه اطلاعات و ویژگی‌های مشتری است که حسابرسان می‌خواهند در هنگام ارزیابی ریسک حسابرسی مشتریان جدید پس از بحران مالی جهانی وارد مدل ارزیابی ریسک خود کنند. علاوه بر این، پس از بحران مالی جهانی، برخی از محققان ریسک حسابرسی را تحلیل کردند و دریافتند که در ریسک کسب‌وکار مشتری با تجزیه و تحلیل این فاکتور، ریسک بیشتری وجود دارد (ژو و همکاران، ۲۰۱۳:۳۰۱). علاوه بر این، موضوع حاکمیت شرکتی به ویژه پس از عدم موفقیت شرکت‌ها بسته به ویژگی‌های حاکمیت شرکتی توسعه یافته است. برخی از محققان این سؤال را مطرح کردند که آیا برخی از خصوصیات حاکمیت شرکتی می‌تواند تأثیری در کل فرآیند حسابرسی و بویژه کیفیت آن داشته باشد (کوهن و همکاران، ۲۰۰۲:۵۷۳).

درواقع استقرار مناسب سازوکارهای حاکمیت شرکتی، اقدامی اساسی برای استفاده بهینه از منابع، ارتقای پاسخگویی، شفافیت، رعایت انصاف و حقوق همه ذی‌نفعان شرکت‌هاست. فرض اولیه حاکمیت شرکتی و فرآیند حسابرسی مستقل، که یکی از اجزای بسیار مهم آن تلقی می‌گردد، این است که واحد تجاری به دنبال حفظ منافع سهامداران خود و افزایش ارزش سهام آنان می‌باشد. لذا، باید نوعی ارتباط حرفه‌ای بین حسابرسان و مدیرانی که صورت‌های مالی تهیه شده توسط آنها موثر حسابرسی قرار می‌گیرد، برقرار شود. بدیهی است که حاکمیت شرکتی مجموعه مکانیزم‌های هدایت و کنترل شرکت‌هاست (متقی و همکاران، ۱۳۹۶:۱۳۹). در حاکمیت شرکتی، هدف، برخورداری از یک هیئت‌مدیره مؤثر و کارا است و دستیابی به این هدف، مستلزم ارزیابی خصوصیات هیئت‌مدیره (به‌ویژه مطلوب) است (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰:۹۵). به نظر می‌رسد که مدیریت قوی شرکت‌ها، با کیفیت خوب در گزارشگری مالی و انتصاب کارشناسان حسابداری مالی در کمیته حسابرسی شرکت همراه است (گول و همکاران، ۲۰۱۳:۲۱۱۲).

انتظار داریم رابطه معناداری بین حاکمیت شرکتی و خطر حسابرسی داشته باشیم، زیرا اگر حسابرسان بتوانند به یک حاکمیت صحیح شرکتی متکی باشند، خطر کنترل در سطح پائین‌تری ارزیابی شده و در نتیجه خطر حسابرسی نیز کاهش خواهد یافت (شفایی سردشت و همکاران، ۲۰۱۸:۲۳۴۰). حاکمیت شرکتی و مکانیزم‌های آن منجر به کاهش خطر حسابرسی می‌گردد و حسابرسان قادر خواهند بود تا به ارزیابی کیفیت حاکمیت شرکتی اعمال شده در واحدهای تجاری بپردازند.

شخصیت مدیران شرکت ارتباط قابل‌توجهی با رفتار آن‌ها در مدیریت شرکت‌ها دارد. در ارتباط با مسائل رفتاری در حاکمیت شرکتی، تمرکز بیشتری بر ساختار حاکمیت شرکتی در دهه‌های اخیر و تمرکز کم‌تر بر رفتار مدیران شرکت‌ها، که به این ساختارها جان می‌بخشند، وجود داشته‌است.

نوع شخصیت مدیران نقش مهمی در تصمیم‌گیری سیاست‌های مالی از قبیل تامین مالی، سودهای تقسیمی و حاکمیت شرکتی بازی می‌کند. عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و مالکان می‌تواند از نوع شخصیت و ویژگی‌های فردی مدیران نیز ناشی شود. این تضاد که توسط تئوری نمایندگی شرح داده می‌شود، بیان می‌دارد که مدیران سعی در حداکثر نمودن منافع خود دارند که لزوماً همسو و همسان با مالکان نیست. براین اساس انگیزه‌های مدیران و سهامداران، موجب می‌شود مدیران با

¹ Price Water house Coopers

فرصت طلبی، شرکت را بیشتر از اندازه بهینه آن توسعه دهد یا منابع بلا استفاده را برای افزایش مطلوبیت شخصی خود حفظ کند. انگیزه های مدیران برای انجام چنین اقداماتی می تواند ناشی از نوع نگرش رفتاری و شخصیتی آنها باشد.

بدیهی است که ویژگی های شخصیتی افراد، زمینه ساز رفتارهای آنان است، لذا برخی از عوامل رفتاری دخیل در شخصیت مدیران باعث جهت دهی به تصمیم گیری آنان خواهد شد. مدیر ارشد دارای بالاترین موقعیت در سلسله مراتب شرکتی، می تواند تصمیم های اخلاقی یا غیر اخلاقی را تعریف کند و تحت تأثیر قرار دهد. علاوه بر این، نتایج حسابداری مالی نشان دهنده موفقیت یا شکست او است. بسیاری از مدیران اجرایی اقدامات ارزیابی حسابداری مالی را موفقیت شخصی در نظر می گیرند (ایمر و همکاران، ۲۶۵، ۱۳۹۷).

بسیاری از نظریه پردازان حسابداری رفتاری اعتقاد به مطالعه شخصیت افراد به عنوان عاملی مهم و موثر در قضاوت و تصمیم گیری در حسابداری دارند (نادری و همکاران، ۱۳۹۵، ۷۱). با این حال مشکل اصلی نبود شناخت کافی در این خصوص در بین استفاده کنندگان اصلی اطلاعات حسابداری است. نظریه های زیادی استدلال می کنند که تجربیات، ارزش ها و تیپ های شخصیتی مدیران بر تصمیم های مربوط به شرکت تأثیر می گذارند و به همین دلیل مدیران مختلف در وضعیتی مشابه، تصمیم های متفاوتی می گیرند (هام و همکاران، ۲۰۱۷، ۱۰۸۹).

برای حسابرسان و سایر افراد ذی نفع از گزارشگری مالی اطلاع از تیپ های شخصیتی مدیران از اهمیت زیادی برخوردار است. چراکه رفتارهای فرصت طلبانه مدیریتی و مشکلات نمایندگی و همچنین انگیزه و توان مدیران در دستکاری اطلاعات حسابداری منجر به کاهش کیفیت اطلاعات و احتمال تحریف صورت های مالی را در پی خواهد داشت و خطر عدم کشف تحریف های با اهمیت آن نیز افزایش می یابد. از طرفی رشد اقتصادی و افزایش پیامدهای تجاری در دهه های گذشته منجر به جدا شدن مالکیت از مدیریت شده است. به دنبال چنین پیشرفتی، روش حسابرسی لزوماً مسیری در حال پیشرفت را طی کرده و با رویکردهای مختلف آشکار می کند. هر یک از اجزای مدل ریسک حسابرسی تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد. بیشتر مطالعاتی که تاکنون انجام شده است، اغلب فقط روی فرمول ریسک حسابرسی متمرکز شده و به ندرت به عوامل آن توجه می شود. در صورت شناسایی عوامل مؤثر در مرحله اول، حسابرسی مبتنی بر ریسک به اهداف خود می رسد.

با توجه به مطالب بیان شده، این سؤال مطرح می شود که تیپ های شخصیتی مدیران، رابطه ساختار حاکمیت شرکتی بر خطر حسابرسی را تعدیل می کند؟

۲- مبانی نظری پژوهش

عملکرد هر سازمان و بررسی عوامل مؤثر بر آن به منظور یافتن راه های بهبود عملکرد از جمله مسائلی است که سازمان ها به آن توجه ویژه دارند. لذا در مفاهیم حاکمیت شرکتی تأکید ویژه ای بر استقرار نظام حسابرسی داخلی بکارگیری اعضای غیر هیات موظف در ترکیب مدیره و اجرای حسابرسی مستقل شده است. کاسل و همکاران (۲۰۱۲) دریافتند که حسابرسان چهار شرکت بزرگ برخی از ویژگی های حاکمیت شرکتی را در استراتژی حسابرسی، به ویژه پس از معرفی قانون ساربنزاکسلی (۲۰۰۲) در نظر می گیرند، که تمرکز عمومی بر حاکمیت شرکتی را افزایش می دهد. به نظرمی رسد با اجرای درست حاکمیت شرکتی حسابرسی مستقل از شکل تشریفاتی خارج شده و استقرار سیستم های کنترل داخلی و به ویژه نظارت مدیران غیرموظف سبب افشای به موقع اطلاعات و اجتناب از نوسانات شدید سودهای برآوردی و دست کاری در قیمت ها می شود، از سوی دیگر همان طوری که قوت حاکمیت شرکتی بر کیفیت گزارشگری مالی مؤثر است، به نظرمی رسد که این امر به طور بالقوه بر تصمیمات و قضاوت های حسابرسان در مراحل مختلف کار حسابرسی نیز اثرگذار است. برای اینکه عوامل حاکمیت شرکتی بر برنامه های حسابرسی جهت برآورد ریسک حسابرسی اثرگذار باشند، حسابرسان باید ابتدا قوت حاکمیت شرکتی را به طور صحیحی شناسایی و ارزیابی کنند، سپس این مدارک و شواهد را جهت ایجاد برنامه حسابرسی به کار گیرد (شرما، ۱۰۷، ۲۰۰۸).

بر اساس مباحث تئوریک، در مورد صاحبکارانی که از حاکمیت شرکتی قوی تری برخوردارند، می توان انتظار داشت که ساعات حسابرسی برنامه ریزی شده در مقایسه با دیگر صاحبکاران، به میزان قابل ملاحظه ای کاهش یابد (شرما، ۲۰۰۸؛ ۱۰۵). چنین صاحبکارانی دارای ریسک محیط کنترلی پائین تری هستند. با تعیین ریسک کنترلی در سطح پایین، اعتماد حسابرسان به سیستم کنترل داخلی صاحبکاران با حاکمیت شرکتی قوی افزایش یافته و این امر سبب کاهش میزان آزمون های محتوای انجام شده توسط حسابرسان می گردد (حساس یگانه و همکاران، ۴۱، ۱۳۸۹).

بی شک پس از مجمع عمومی و مالکان، مدیران بالاترین رکن تصمیم گیری در شرکت هستند. هیئت مدیره مسئول تهیه گزارش های مالی برای سرمایه گذاران، اعتبار دهندگان و سایر استفاده کنندگان است. همچنین، افزایش کارایی و اثربخشی

های حسابداری و ارائه اطلاعات در سیستم های تصمیم گیری حائز اهمیت خواهد بود. با توجه به اهمیت و تأثیر ویژگی های شخصیتی بر تمامی ابعاد رفتاری و تصمیم گیری های افراد، انتظار می رود بین ابعاد تیپ های شخصیتی مدیران و کنترل های داخلی، خطر حسابرسی رابطه معناداری وجود داشته باشد.

۳- پیشینه تحقیقات

جاکوبی و همکاران (۲۰۱۹): به بررسی "حاکمیت شرکتی، کنترل های خارجی، و شفافیت اطلاعات محیطی" در بازارهای نوظهور پرداختند. نتایج تجربی این پژوهش در بازارهای نوظهور نشان می دهد که شرکت هایی با سازوکارهای حاکمیت شرکتی قویتر به پذیرش و تطبیق با راهبردهای کنترل های خارجی (برون سازمانی) تمایل بیشتر نشان می دهند تا تضاد مدیران و مالکان را کاهش دهند. همچنین حاکمیت شرکتی با افزایش شفافیت اطلاعات رابطه مستقیم و معناداری داشته است.

شفایی سردشت و همکاران (۲۰۱۸): در پژوهشی با عنوان "شناسایی عوامل موثر بر مدل خطر حسابرسی: رویکرد فرآیند تحلیل شبکه ای و دیمتل فازی ترکیبی" پرداختند. آنها با استفاده از غربالگری فازی برای نمایش ۴۰ عامل عملی استفاده کردند که ممکن است بر مدل خطر حسابرسی از ۵۸ مورد بالقوه اثر بگذارند. سپس با رویکرد فرآیند تحلیل شبکه ای و آزمون تصمیم گیری و ارزیابی برای کاهش عوامل و اولویت بندی آن ها با در نظر گرفتن وابستگی های داخلی و خارجی آنها به کاربرند و رویکرد ترکیبی مورد استفاده در این مطالعه، ارائه وزن دقیق برای هر عامل می تواند یک چارچوب پیچیده تر برای تصمیم گیری در ارزیابی خطر با ادغام روابط وابسته در داخل و بین عوامل خطر حسابرسی را بررسی کند.

دیمارتینی و همکاران (۲۰۱۶): در پژوهشی به بررسی "خطر حسابرسی و حاکمیت شرکتی" پرداختند. در این مقاله با شناسایی عواملی مانند، اثربخشی روش های کنترل داخلی و تجربه حسابرسان، که در ارزیابی مولفه های ریسک حسابرسی موثر است و نیز با برجسته کردن نقش حاکمیت شرکتی در برآورد ریسک حسابرسی پرداخته شده است.

دلمن و همکاران (۲۰۱۵): در پژوهشی با عنوان "بیش اعتمادی مدیران و حق الزحمه حسابرسی" با بررسی بیش اعتمادی مدیریت شرکت ها به این نتیجه رسیدند که این امر می تواند باعث شود که مدیران از حسابرسانی استفاده کنند که تخصص کمتری در صنعت دارند. بنابراین، خطر حسابرسی افزایش می یابد.

عملیات شرکت از وظایف کلیدی مدیران است. هر چه سازمان ها گسترش بیشتری پیدا می کنند، نقش و اهمیت مدیریت بیشتر می شود. همه مدیران به حکم آنکه مدیران، به یک شیوه عمل نمی کنند، ویژگی های شخصی از قبیل شخصیت، توانایی ها، ارزش ها و اعتبار شخص مدیر، از جمله عوامل موثر در انتخاب سبک مدیریتی مدیران است.

اصولاً هر کسی منش، توانایی ها و ویژگی های منحصر به فرد خود را دارد که الگوهای رفتاری، شیوه های پاسخ دهی و واکنش های وی را به محیط درونی و بیرونی نشان داده و این موارد شخصیت وی را شکل می دهد. افراد با هر جنبه از شخصیت به شیوه های خاصی رفتار می کنند و دارای انتظارات خاصی رفتار می کنند و دارای انتظارات خاصی هستند. بنابراین می توان این گونه بیان کرد که هر شخصیتی توانایی و مهارت رفتاری منحصر به فرد و نیز نیازهای متفاوتی دارد و بر اساس الگوی شخصیتی خود دارای نیازها، انتظارات، انگیزه ها، توقع ها و هدف های خاصی است. سازمان ها نیز بر وظایف و فعالیت های خود نیازها، انتظارات و توقع های خاصی را تأمین می کنند. روانشناسان در مورد ابعاد شخصیتی افراد نظریات گوناگونی ارائه کرده اند، یکی از کارآمدترین و جامع ترین نظریه های مطرح شده در باب شخصیت، نظریه پنج عاملی کاستم و مک کری است. مدل پنج عاملی شخصیت یکی از مسلط ترین و تاریخی ترین مدل های شخصیت است و بسیاری از روان شناسان بیان کرده اند که مدل پنج عاملی بسیاری از متغیرهای شخصیت را در برمی گیرد. مطابق با نظر مک دونالد، این مدل را ابتدا گالتن (۱۸۸۴) مطرح کرد (نریمان و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۶۴)، که ابتدا سه بعد روان رنجوری - برون گرایی - گشودگی را داشت و سپس دو بعد وظیفه شناسی و سازگاری به آن اضافه شد. بر خلاف MBTI، مطالعات و تحقیقات زیادی در سال های اخیر اعتبار مدل پنج عاملی را تأیید کرده و از این رو مبنای بقیه مدل ها شناخته شده است (اشتون و همکاران^۱، ۲۰۱۴، ۱۹۸).

در حسابرسی توجه به تیپ های شخصیتی تهیه کنندگان اطلاعات مالی عامل بسیار مهمی در بررسی اطلاعات به شمار می رود. با این وجود که اطلاعات برای مدت های طولانی به عنوان جزء کلیدی در تصمیم گیری شناخته شده است، اما اغلب برآورد ارزش اطلاعات در تصمیم گیری ها دشوار است. سایر اطلاعات غیر حسابداری، به ویژه اطلاعات رفتاری در ارزش گذاری اطلاعات حسابداری در فرآیند تصمیم گیری، نیز عامل تعیین کننده و مهمی خواهد بود. در صورت وجود تأثیر مسایل رفتاری بر تصمیم گیری، بررسی موارد رفتاری در تدوین و بسط تئوری

^۱ Ashton et al

دار و منفی دارد. انعطاف پذیری بر نوع بند شرط تاثیر تاثیر معنی دار و مثبت ولی بر تعداد بند شرط، نوع اظهار نظر حسابرس و تعداد بند بعد از اظهار نظر تاثیر معنی داری ندارد. توافق پذیری بر نوع اظهار نظر حسابرس، نوع بند شرط، تعداد بند شرط، و تعداد بند بعد از اظهار نظر تاثیر معنی دار و مثبت دارد. با وجدان بودن بر تعداد بند بعد از اظهار نظر تاثیر معنی دار و مثبت دارد ولی بر نوع اظهار نظر، نوع بند شرط و تعداد بند شرط تاثیر معنی دار ندارد.

۳- فرضیه های پژوهش

فرضیه ۱: ساختار حاکمیت شرکت بر خطر حسابرسی موثر است.

فرضیه ۱-۱: استقلال هیات مدیره بر خطر حسابرسی موثر است.

فرضیه ۱-۲: مالکیت نهادی بر خطر حسابرسی موثر است.

فرضیه ۱-۳: مالکیت مدیرتی بر خطر حسابرسی موثر است.

فرضیه ۱-۴: تمرکز مالکیت بر خطر حسابرسی موثر است.

فرضیه ۲: تیپ های شخصیتی مدیران بر رابطه بین ساختار حاکمیت شرکتی با خطر حسابرسی موثر است.

فرضیه ۲-۱: تیپ روان رنجوری بر رابطه بین ساختار حاکمیت شرکتی با خطر حسابرسی موثر است.

فرضیه ۲-۲: تیپ برون گرایی بر رابطه بین ساختار حاکمیت شرکتی با خطر حسابرسی موثر است.

فرضیه ۲-۳: تیپ پذیرا بودن بر رابطه بین ساختار حاکمیت شرکتی با خطر حسابرسی موثر است.

فرضیه ۲-۴: تیپ سازگاری بر رابطه بین ساختار حاکمیت شرکتی با خطر حسابرسی موثر است.

فرضیه ۲-۵: تیپ وجدانی بودن بر رابطه بین ساختار حاکمیت شرکتی با خطر حسابرسی موثر است.

۴- روش شناسی تحقیق

روش پژوهش این تحقیق از نظر ماهیت و محتوا از نوع همبستگی است، که با استفاده از داده های ثانویه مستخرج از صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و پرسشنامه به تحلیل رابطه ی همبستگی می پردازد. از نظر هدف این پژوهش جزء پژوهش های کاربردی محسوب می شود و از نظر روش گردآوری آرشویی (پس رویدادی) و پیمایشی است.

دوره زمانی پژوهش حاضر سال ۱۳۹۶ است. کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده اند که در این بین محدودیت هایی برای تعیین جامعه آماری بدین شرح اعمال شد: دوره مالی آن ها منتهی به

گراهام و همکاران (۲۰۱۳): در مطالعه ای تحت عنوان نگرش های مدیریتی و فعالیت های شرکتی به این نکته اشاره داشتند که ویژگی های شخصیتی مدیران (ریسک گریزی و خوش بینی) با شیوه های گزارشگری مالی و سایر سیاست های مالی و غیر مالی آنها همراه است.

زکی زاده و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی شناسایی خطر حسابرسی، مبتنی بر مدیریت خطر و راهبری شرکت پرداختند. یافته های پژوهش نشان داد بین استقلال هیأت مدیره و خطر حسابرسی رابطه منفی و معناداری، و بین خطر قوانین مقررات و خطر حسابرسی رابطه مثبت و معناداری، وجود دارد.

ایمر و همکاران (۱۳۹۷): در پژوهشی به بررسی رابطه بین سه گانه تاریک شخصیت با تصمیم گیری فرصت طلبانه مدیران مالی در حسابداری پرداختند. نتایج این پژوهش نشان می دهد که بین سه گانه تاریک شخصیت و تصمیم گیری فرصت طلبانه مدیران مالی در حسابداری رابطه معناداری وجود دارد؛ همچنین اختلاف معناداری بین سطوح (ضعیف، متوسط و شدید) سه گانه تاریک شخصیت در تصمیم گیری فرصت طلبانه در حسابداری وجود دارد که نشان می دهد در سطح شدیدی از سه گانه تاریک شخصیت، احتمال تصمیم گیری فرصت طلبانه مدیران در حسابداری بیشتر خواهد شد.

احمدزاده و همکاران (۱۳۹۶): در پژوهشی به بررسی رابطه بین ابعاد شخصیتی و نوع جنسیت رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که رابطه معنی داری بین رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی و ابعاد پنج گانه شخصیت (روان رنجوری، برون گرایی، انعطاف پذیری، دلپذیر بودن و وجدان کاری) وجود دارد. به عبارت دیگر، شخصیت فرد در رغبت به انجام این نوع رفتارها تأثیرگذار است. هم چنین، از بین رفتارهای مورد بررسی تنها دو رفتار «کاهش میزان کار انجام شده به کم تر از آن چه که برای یک حسابرسی، منطقی به نظر می رسد» و «کم تر گزارش کردن زمان» از توزیع یکسانی بین حسابرسان مرد و زن برخوردار نیست و رغبت به انجام آنها در بین حسابرسان زن بیشتر است.

برادران حسن زاده و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی تاثیر تیپ های شخصیتی حسابرسان بر محتوای گزارش حسابرسی پرداختند. نتایج حاصل از تحقیق بیانگر آن است که روان رنجوری بر نوع اظهار نظر حسابرس و تعداد بند شرط گزارش حسابرسی تاثیر معنی دار و منفی و بر تعداد بند بعد از اظهار نظر تاثیر معنی دار و مثبت دارد ولی بر نوع بند شرط گزارش حسابرسی تاثیر معنی داری ندارد. برونگرایی بر نوع اظهار نظر حسابرس، نوع بند شرط، تعداد بند شرط و تعداد بند بعد از اظهار نظر تاثیر معنی

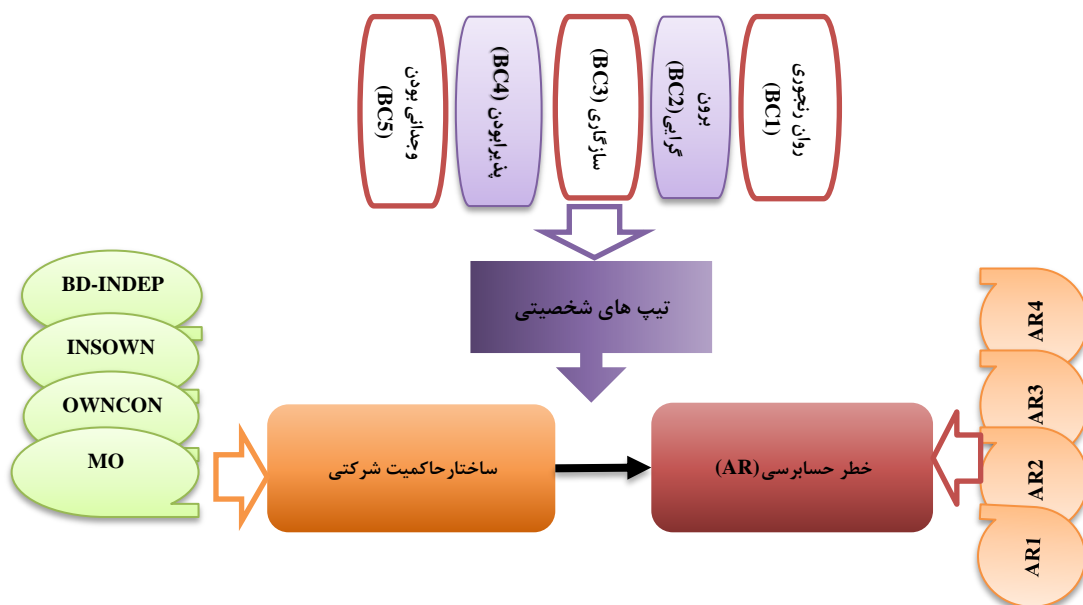
آبادی، ۱، ۱۳۹۳). همچنین به منظور یافتن عوامل مؤثر بر شناسایی خطر حسابرسی، نسبت به انجام مصاحبه با خبرگان اقدام گردید و سپس با طرح سوالات بصورت زوجی بین خبرگان نسبت به تعیین اوزان عوامل اقدام شده است.

۵- مدل های پژوهش و متغیرهای آن

جهت آزمون فرضیه های پژوهش از روش معادلات ساختاری استفاده شده است، مدل مفهومی پژوهش در شکل ۱ مشخص شده است. مدل مفهومی در این پژوهش بر این اصل منطقی استوار است که میان ساختار حاکمیت شرکتی به عنوان متغیر مستقل و خطر حسابرسی به عنوان متغیر وابسته رابطه وجود دارد. اما تیپ های شخصیتی که خود پنج عامل مجزا شامل (برونگرایی، پذیرابودن، روان رنجوری، سازگاری و وجدانی بودن) هستند را در این پژوهش سعی داریم رابطه تک تک تیپ های شخصیتی را به عنوان متغیر تعدیل گر بر رابطه ساختار حاکمیت شرکتی بر خطر حسابرسی مورد سنجش قرار دهیم. لذا اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از روش مدل معادلات ساختاری و نرم افزار اسمارت پی. ال. اس جهت تایید یا عدم تایید فرضیه های تحقیق و بررسی اثر تعدیلی متغیر استفاده شده است. دلیل استفاده از این تکنیک عدم نیاز به پیش فرض های توزیعی و مقیاس اندازه گیری و تناسب با نمونه های کوچک و مناسب جهت تعیین اثر متغیرهای تعدیل گر است (آذر و همکاران، ۱۳۹۱).

پایان اسفند سال مورد بررسی می باشد و نوبت استی سال مالی خود را در سال مورد نظر تغییر داده باشد. شرکت مورد نظر در سال مورد نظر پژوهش فعالیت مستمر در بورس اوراق بهادار داشته و سهام آن حداقل شش ماه در سال مورد معامله قرار گرفته باشد و جزء شرکت های سرمایه گذاری و مالی نباشد و اطلاعات مورد نیاز برای انجام این تحقیق در سال مورد بررسی در دسترس باشد. در نهایت اطلاعات مالی مربوط به ۸۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به عنوان نمونه مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت.

متغیر تعدیل گر در این پژوهش تیپ های شخصیتی مدیران است که شامل پنج عامل شخصیتی روان رنجوری، برون گرایی، سازگاری، پذیرابودن و وجدانی بودن است که توسط پرسش نامه استاندارد شخصیت نئو سنجیده شده است. این پرسش نامه به تعداد ۸۷ شرکت نمونه پژوهش فرستاده شده و که تنها ۴۲ پرسشنامه برگشت داده شد. که با توجه به اینکه ۲ مورد از پرسشنامه ها فاقد اطلاعات کامل بود، حذف گردید و ۴۰ پرسشنامه که تکمیل شده بود مبنای تجزیه و تحلیل قرار گرفت. این پرسش نامه شامل ۶۰ سوال (۱۲ سوال در هر مقیاس) پنج گزینه ای باطیف لیکرت است که پاسخ ها به صورت کاملا موافقم تا کاملا مخالفم تدوین شده است. این پرسش نامه بارها در تحقیقات قبلی استفاده شده است و با توجه به استاندارد بودن آن از ضریب روایی مطلوبی برخوردار است. این آزمون در ایران توسط گروسی و همکاران هنجاریابی شده و روایی و پایایی آن به ترتیب ۰/۶۶ و ۰/۸۷ به دست آمده است (زارع بهرام



شکل (۱): الگوی مفهومی پژوهش

متغیر وابسته - خطر حساسی

در تحقیق حاضر خطر حساسی بر اساس رویکرد زیر ارزیابی شد (زکی زاده و همکاران، ۱۳۹۸، ۱۱):

• انحراف از استاندارد حسابداری - کیفیت گزارشگری

از ارقام تعهدی اختیاری استفاده شده است. ارقام تعهدی اختیاری اقلامی هستند که می توان جهت مدیریت سود، آن ها را دستکاری کرد و در جهت کسب منافع بیشتر عمل کرد. ارقام تعهدی باعث ایجاد تفاوت بین سود و جریان وجه نقد عملیاتی می شود و در نتیجه با فرض اینکه جریان های نقدی دستکاری نشوند، تنها راه دستکاری سود افزایش و کاهش در ارقام تعهدی اختیاری است. به منظور تخمین ارقام تعهدی اختیاری از مدل تعدیل شده جونز، استفاده شد:

$$\frac{TACC_{i,t}}{A_{t-1}} = \beta_0 \left(\frac{1}{A_{t-1}} \right) + \beta_1 \left(\frac{\Delta REV_t - \Delta REC_t}{A_{t-1}} \right) + \beta_2 \left(\frac{PPE_{i,t}}{A_{t-1}} \right) + \beta_3 ROA_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t}$$

بر اساس مدل فوق داده های مورد نظر جمع آوری گردید و سپس باقیمانده خطاهای مدل به نرم افزار اکسل انتقال داده شد. سپس خطاهای مدل به صورت زیر محاسبه شد:

$$AR_1 = 1 - |\varepsilon_{i,t}|$$

• انحراف از بازار پول

از ساختار سررسید بدهیها (نسبت بدهی های بهره دار به جمع کل دارایی ها) استفاده شده است. سپس مقادیر فوق به تفکیک صنعت جدا گردید و هر مقدار از میانگین مقادیر کل هر صنعت کسر گردید.

$$AR_2 = FCS - ICS \quad FCS = \frac{IBD}{TA}$$

• انحراف از بازار سرمایه

در این پژوهش از رتبه بندی شرکت ها از نظر کیفیت افشا و اطلاع رسانی که در سایت کدال اعلام می شود به عنوان انحراف از قوانین بازار سرمایه استفاده می شود. محاسبه رتبه بندی کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار به تفکیک امتیاز به موقع بودن و قابلیت اتکا اعلام می شود. بر این اساس مقادیر استخراج و سپس درصدامتیاز هر شرکت از میانگین کل درصد امتیاز شرکت ها کسر گردید.

$$AR_3 = DISS - \overline{DISS}$$

• انحراف از قانون مالیات

از متغیر اجتناب مالیاتی (نسبت وجه نقد پرداخت شده بابت مالیات به سودوزیان قبل از کسر مالیات) استفاده شد. بدین ترتیب مقادیر فوق به تفکیک صنعت جدا گردید و سپس هر مقدار از میانگین کل هر صنعت کسر گردید.

$$AR_4 = FCETR - ICETR \quad (CETR) = \frac{\text{وجه نقد پرداخت شده بابت مالیات}}{|\text{سود و زیان قبل از کسر مالیات}|}$$

برای سنجش خطر حساسی، تعداد ۴ معیار موثر بر خطر حساسی شناسایی شد. میانگین موزون مقادیر بر اساس اوزان بدست آمده (جدول ۲) محاسبه و به عنوان معیاری جهت اندازه خطر حساسی بکار گرفته شد.

متغیر مستقل

ساختار حاکمیت شرکتی

به منظور ارزیابی ساختار حاکمیت شرکتی از شاخص های زیر استفاده شد:

استقلال هیات مدیره (BD-INDEP): تعداد مدیران غیر موظف به کل مدیران

مالکیت نهادی (INSOWN): درصد سهامداران نهادی به کل سهام

مالکیت مدیریتی (MO): سهام نگهداری شده توسط مدیران به کل سهام

تمرکز مالکیت (OWNCON): مجموع درصد تملک سهامدارانی که دست کم ۵ درصد سهام شرکت را اختیار دارند (سهامداران عمده) (گرد و همکاران، ۱۳۹۴، ۲۶۳).

متغیر تعدیل گر

تیپ های شخصیتی

برای این منظور از پرسشنامه شخصیت نئو از ابزارهای استاندارد برای ارزیابی مدل پنج عامل شخصیت که توسط مک کری و کوستا (۱۹۹۲) تهیه شده است؛ جهت ارزیابی پنج عامل اصلی تیپ های شخصیتی بهره خواهیم برد:

روان رنجوری: این بعد به دلالت بر توانایی فرد در تحمل استرس و ثبات هیجانی (توانایی کنترل عواطف و احساس ها و حاکمیت نسبی عقلانیت) اشاره دارد.

برون گرایی: افراد برون گرا اهل معاشرت و گفت و گو هستند و در برقراری روابط انسانی و اجتماعی مهارت قوی تری داشته، به محسوسات و ملموسات توجه دارند، در زمان حال زندگی می کنند، به سرعت تصمیم می گیرند. در واقع افراد برون گرا روابط

زوجی بدست آمد. ماتریس مزبور به کمک نرم افزار MATLAB تحلیل و اوزان معیارها با استفاده از فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) به صورت زیر بدست آمده است.

جدول (۱) ترجیحات و مقادیر عددی آنها

عدد	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
میزان ترجیحات	ترجیح یکسان								
بی اندازه مرجح		ترجیح بسیار قوی							
			نسبتاً مرجح						
				قویاً مرجح					
					ترجیح بسیار قوی				
						ترجیح بسیار قوی			
							ترجیح بسیار قوی		
								ترجیح بسیار قوی	
									ترجیح بسیار قوی

جدول (۲) اوزان معیارهای خطر حسابرسی

معیار	وزن
انحراف از استانداردهای حسابداری	۰/۶۲
انحراف از قوانین مالیات ها	۰/۳۲
انحراف از قوانین بازار سرمایه	۰/۱۵
انحراف از قوانین بازاری پول	۰/۱۶

منبع: یافته های تحقیق

تحلیل توصیفی

با توجه به جدول (۳) میانگین خطر حسابرسی ۰/۵۹۱ است. میزان حداکثر متغیر خطر حسابرسی با مقدار ۰/۷۱۹ متعلق به شرکت خدمات کشاورزی در سال ۹۶ و میزان حداقل آن ۰/۴۷۲ متعلق به شرکت گروه بهمن در سال ۹۶ است. در میان عناصر تشکیل دهنده خطر حسابرسی بیشترین مقدار میانگین ۰/۵۸۲ است که به انحراف از استانداردهای حسابداری مربوط می شود. میزان حداکثر متغیر انحراف از استاندارد حسابداری با مقدار ۰/۶۱۹ متعلق به شرکت کاغذ سازی کاوه در سال ۹۶ و میزان حداقل آن ۰/۴۶ متعلق به شرکت قند نقش جهان در سال ۹۶ است. انحراف از بازار سرمایه نیز پس از انحراف از استاندارد حسابداری با میانگین ۰/۰۲۸ دارای بیشترین مقدار است. میزان حداکثر متغیر انحراف از بازار سرمایه با مقدار ۰/۰۹۳ متعلق به شرکت خدمات کشاورزی در سال ۹۶؛ میزان حداقل آن ۰/۰۰۳ متعلق به شرکت دارو سازی اسوه سال ۹۶ است.

انسانی قوی تری دارند. بدین ترتیب این روابط می تواند عملکرد مدیر یک سازمان را بهبود بخشد.

پذیرا بودن: همانند برون گرایی، پذیرا بودن بعدی از تمایل های بین فردی است. افراد نسبت به دیگران همدردی کرده و مشتاق است که کمک کند و باور دارد که دیگران نیز در مقابل به وی کمک می کنند. این بعد رابطه بالایی با هوش دارد.

سازگاری: افرادی که این ویژگی را دارند به عنوان قابل اعتماد، خوش نیت، اشخاصی با ادب همکاری کننده، با تحمل و خوش قلب توصیف می شوند. اشخاص منعطف هم درباره دنیای درونی و هم دنیای بیرونی کنجکاو هستند و در زندگانی تجربه زیادی دارند. این افراد مایل به پذیرش عقاید جدید و ارزش های یرمعارف بوده و بیشتر و عمیق تر از اشخاص غیرمنعطف هیجان های مثبت و منفی را تجربه می کنند.

وجدانی بودن: وجدان کاری به عنوان ویژگی شخصیتی، دلالت بر سخت کوشی، نظم، دقت، پشت کار و مسئولیت پذیری دارد. در طول دوره رشد اغلب افراد یاد می گیرند چگونه با آرزوهای شان کنار بیایند. همچنین، وجدان کاری را می توان به عنوان قدرت طرح ریزی و انجام وظایف محوله به نحو مطلوب تعریف کرد. تفاوت های فردی در این موارد احساس با وجدان بودن است. فرد با وجدان هدفمند، با اراده و مصمم است. تانی و همکاران، ۲۰۱۵، ۲۴۸ (هیجرودی و همکاران، ۱۳۹۷، ۳۹)

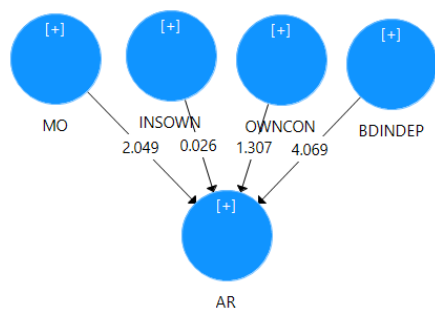
۶- نتایج پژوهش

در گام نخست عوامل چهارگانه انحراف از استانداردهای حسابداری، و انحراف از قوانین بازار پول، بازار سرمایه و مالیات جهت ارزیابی خطر حسابرسی بر اساس مصاحبه با ۵ تن از خبرگان دانشگاهی و حرفه حسابرسی شناسایی گردید. سپس برای تعیین اولویت و وزن عوامل چهارگانه منتخب نسبت به طراحی و سوالات بصورت زوجی و اخذ پاسخ های ۲۰ تن از خبرگان از بین اساتید دانشگاه و اعضای جامعه حسابداری رسمی ایران اقدام گردید. در این روش عوامل بصورت دو به دو با یکدیگر مقایسه می گردند. مقایسه دو به دو مطابق طیف ذیل با استفاده از مقیاسی که از ترجیح یکسان تا بی اندازه مرجح طراحی شده است، انجام می گیرد. در این طیف میزان ترجیح اعداد ۸، ۶، ۴، ۲، بینابین بوده و به عنوان مثال میزان ترجیح عدد ۴ مابین اعداد ۳ و ۵ می باشد که نشان دهنده ی میزان ترجیح نسبتاً مرجح تا قویاً مرجح است.

پس از جمع آوری پرسشنامه های پاسخ داده شده توسط خبرگان، با استفاده از میانگین هندسی نتایج، ماتریس مقایسات

جدول (۳) آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

تعداد مشاهدات	بیشینه	کمینه	جولگی	کشیدگی	انحراف معیار	میانگین	نماد	نام متغیر
۴۰	۰/۷۱۹	۰/۴۷۲	-۰/۰۳۹	۲/۹۵۱	۰/۰۵۰	۰/۵۹۱	AR	خطر حساسی
۴۰	۰/۶۱۹	۰/۴۹۶	-۰/۷۶۹	۳/۸۲۵	۰/۰۲۷	۰/۵۸۲	AR1	انحراف از استاندارد حسابداری
۴۰	۰/۱۱۵	-۰/۰۳۹	۱/۶۳۹	۵/۸۸۳	۰/۰۳۳	-۰/۰۰۱	AR2	انحراف از بازار پول
۴۰	۰/۰۹۳	۰/۰۰۳	۱/۴۹۱	۶/۲۹۰	۰/۰۱۸	۰/۰۲۸	AR3	انحراف از بازار سرمایه
۴۰	۰/۱۹۸	-۰/۰۹۸	۱/۳۶۶	۶/۰۳۱	۰/۰۶۰	-۰/۰۱۷	AR4	انحراف از قانون مالیات
۴۰	۱	۰	-۰/۸۵۶	۳/۹۹۷	۰/۲۱۶	۰/۶۷۲	BD-INDEP	استقلال هیات مدیره
۴۰	۰/۹۸۳	۰/۲۰۶	-۱/۳۶۴	۵/۷۵۴	۰/۱۵۱	۰/۷۵۷	INSOWN	ملکیت نهادی
۴۰	۰/۹۱۹	۰/۱۴۱	-۱/۰۸۰	۳/۳۸۶	۰/۲۱۰	۰/۶۵۵	MO	مالکیت مدیریتی
۴۰	۰/۹۰۵	۰/۱۵۲	-۰/۱۸۷	۲/۳۳۶	۰/۱۹۷	۰/۵۲۸	OWNCON	تمرکز مالکیت
۴۰	۰/۴۴۳	۰/۲۹۰	۰/۴۰۰	۳/۱۸۱	۰/۰۳۳	۰/۳۵۹	Bc1	روان رنجوری
۴۰	۰/۴۵۰	۰/۳۳۳	-۰/۶۷۹	۲/۹۳۰	۰/۰۳۰	۰/۴۰۸	Bc2	برون گرایی
۴۰	۰/۴۶۵	۰/۲۷۸	-۰/۲۵۵	۴/۲۴۸	۰/۰۳۵	۰/۳۹۱	Bc3	پذیرا بودن
۴۰	۰/۴۵۵	۰/۳۳۵	۰/۰۷۶	۳/۲۹۹	۰/۰۲۶	۰/۳۹۳	Bc4	سازگاری
۴۰	۰/۴۵۰	۰/۲۰۵	-۲/۳۰۹	۳/۶۵۳	۰/۰۵۹	۰/۳۹۱	Bc5	وجدانی بودن



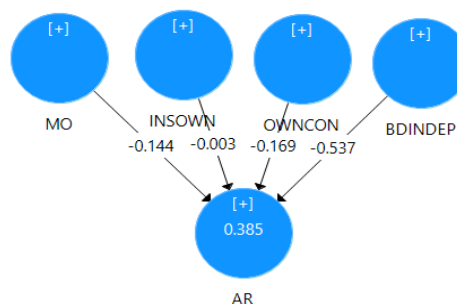
شکل (۳): مقادیر آماره t

جدول (۴) آزمون فرضیه اول بدون دخالت متغیر تعدیل گر

وضعیت	سطح معناداری	آماره t	ضریب مسیر	رابطه
تایید	۰/۰۰۰	۴/۰۶۹	-۰/۵۳۷	تاثیر استقلال هیات مدیره بر خطر حساسی
رد	۰/۹۷۹	۰/۰۲۶	-۰/۰۰۳	تاثیر مالکیت نهادی بر خطر حساسی
تایید	۰/۰۴۱	۲/۰۴۹	-۰/۱۴۴	تاثیر مالکیت مدیریتی بر خطر حساسی
رد	۰/۱۹۲	۱/۳۰۷	-۰/۱۶۹	تاثیر تمرکز مالکیت بر خطر حساسی
۰/۳۸۵				ضریب تعیین R2

ارزیابی مدل ساختاری و آزمون فرضیه های پژوهش

با استفاده از مدل سازی معادلات ساختاری حداقل مجذورات جزئی به بررسی مدل مفهومی پژوهش پرداخته شده است تا با استفاده از نتایج آزمون به بررسی روابط بین متغیرهای پژوهش، ضرایب اعتبار و پایایی و کیفیت مدل پرداخته شود. در فرضیه اول به بررسی تاثیر ساختار حاکمیت شرکت بر خطر حساسی پرداخته شده است. برای این منظور از مقادیر ضرایب مسیر استفاده می شود. همچنین، برای بررسی معناداری رابطه از مقدار آماره t استفاده می شود. و در سطح اطمینان ۹۵ درصد مقدار آماره t باید خارج از ۱/۹۶ تا -۱/۹۶ باشد تا آن را رابطه معنی دار تلقی گردد. شکل ۳ و ۲ مقادیر مربوطه را نشان می دهد.



شکل (۲): ارزیابی ضرایب مسیر

جدول (۵) آزمون فرضیه فرعی اول از فرضیه اصلی دوم با دخالت متغیر تعدیل گر

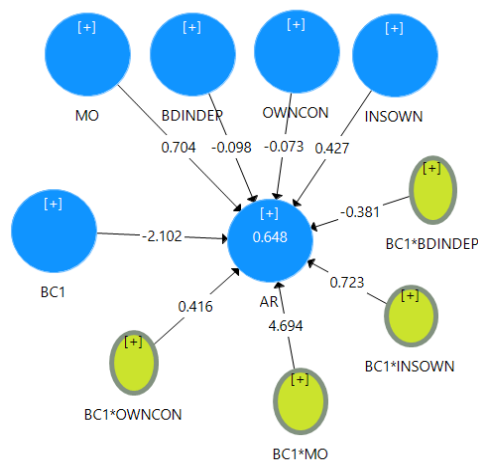
وضعیت	سطح معناداری	ضریب مسیر	اماره t	رابطه
رد	۰/۰۷۹	-۰/۳۸۱	۱/۴۱۱	تأثیر تیب شخصیتی روان رنجوری بر رابطه استقلال هیات مدیره بر خطر حسابرسی
تایید	۰/۰۱۶	۰/۷۲۳	۲/۱۵۳	تأثیر تیب شخصیتی مالکیت نهادی بر خطر حسابرسی
رد	۰/۱۸۹	۴/۶۹۴	۰/۸۸۱	تأثیر تیب شخصیتی مالکیت مدیریتی بر خطر حسابرسی
رد	۰/۰۸۰	۰/۴۱۶	۱/۴۰۸	تأثیر تیب شخصیتی تمرکز مالکیت بر خطر حسابرسی
۰/۶۴۸				ضریب تعیین R2

بر اساس اطلاعات مربوط به جدول ۵، مقدار R^2 نشان می دهد که تأثیر تعدیل گری تیب شخصیتی روان رنجوری بر رابطه ساختار حاکمیت شرکتی با خطر حسابرسی در حد متوسط بوده که تقریباً ۶۵ درصد از تغییرات رابطه ساختار حاکمیت شرکتی بر خطر حسابرسی را تحت پوشش قرار می دهد. مقدار ضریب مسیرها منفی و مثبت بوده که نشان دهنده تأثیر مستقیم و معکوس تیب شخصیتی روان رنجوری بر رابطه ساختار حاکمیت شرکتی با خطر حسابرسی است. همچنین مقدار آماره t و سطح معناداری متغیر تیب شخصیتی روان رنجوری بر رابطه مالکیت نهادی بر خطر حسابرسی در حد قابل قبول قرار دارند و بنابراین رابطه مورد نظر تایید می شود.

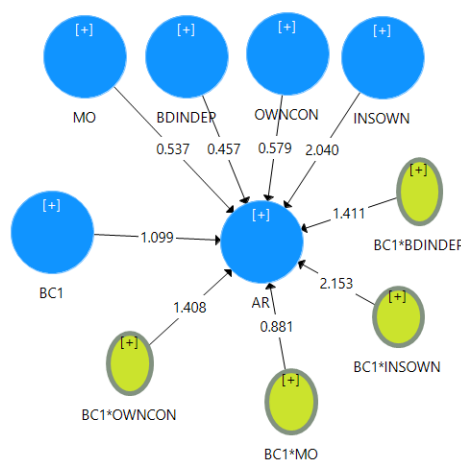
در فرضیه فرعی دوم از فرضیه اصلی دوم به بررسی تأثیر تیب شخصیتی برون گرایی بر رابطه ساختار حاکمیت شرکتی بر خطر حسابرسی پرداخته شده است. شکل ۷ مقادیر مربوط به ضرایب مسیر و مقدار آماره t را نشان می دهد.

بر اساس اطلاعات مربوط به جدول ۴، مقدار R^2 نشان می دهد که تأثیر ساختار حاکمیت شرکتی بر خطر حسابرسی تقریباً ۳۹ درصد از تغییرات خطر حسابرسی را تحت پوشش قرار می دهد. مقدار ضریب مسیرها منفی بوده که نشان دهنده تأثیر معکوس ساختار حاکمیت شرکتی بر خطر حسابرسی است. همچنین مقدار آماره t و سطح معناداری متغیرهای استقلال هیات مدیره و مالکیت مدیریتی در حد قابل قبول قرار دارند و بنابراین رابطه مورد نظر تایید می شود.

در فرضیه فرعی اول از فرضیه اصلی دوم به بررسی تأثیر تیب شخصیتی روان رنجوری بر رابطه ساختار حاکمیت شرکتی بر خطر حسابرسی پرداخته شده است. شکل ۵ و ۴ مقادیر مربوط به ضرایب مسیر و مقدار آماره t را نشان می دهد.



شکل (۴): ارزیابی ضرایب مسیر

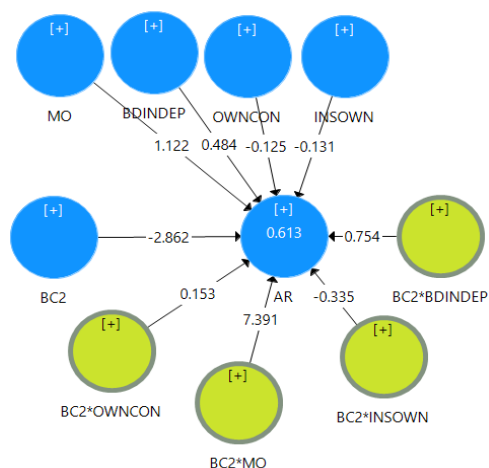


شکل (۵): مقادیر آماره t

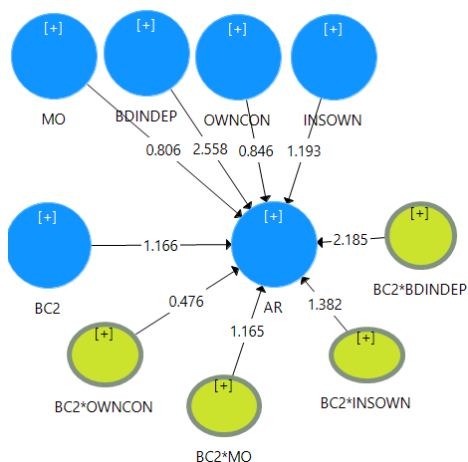
برخطر حساسیتی پرداخته شده است. شکل ۹ امواد مقادیر مربوط به ضرایب مسیر و مقدار آماره t را نشان می دهد.

جدول (۶) آزمون فرضیه فرعی دوم از فرضیه اصلی دوم با دخالت متغیر تعدیل گر

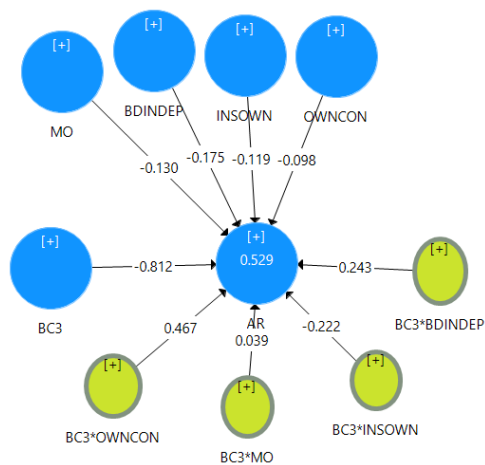
وضعیت	سطح معناداری	آماره t	ضریب مسیر	رابطه
تایید	۰/۰۱۵	۲/۱۵۸	۰/۷۵۴	تاثیر تیپ شخصیتی برون گرایی بر رابطه استقلال هیات مدیره برخطر حساسیتی
رد	۰/۰۸۴	۱/۳۸۲	-۰/۳۳۵	تاثیر تیپ شخصیتی برون گرایی بر رابطه مالکیت نهادی برخطر حساسیتی
رد	۰/۱۲۲	۱/۱۶۵	۷/۳۹۱	تاثیر تیپ شخصیتی مالکیت مدیریتی برخطر حساسیتی
رد	۰/۳۱۷	۰/۴۷۶	۰/۱۵۳	تاثیر تیپ شخصیتی تمرکز مالکیت برخطر حساسیتی
۰/۶۱۳				ضریب تعیین R2



شکل (۶): ارزیابی ضرایب مسیر



شکل (۷): مقادیر آماره t



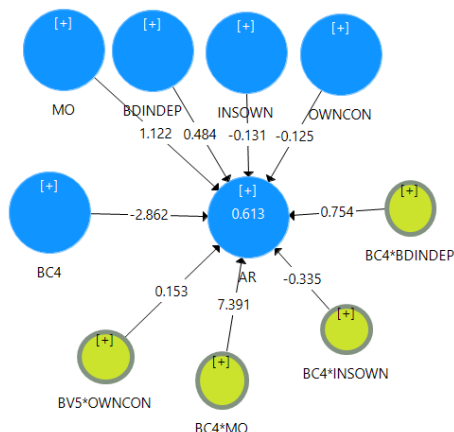
شکل (۸): ارزیابی ضرایب مسیر

بر اساس اطلاعات مربوط به جدول ۶، مقدار R^2 نشان می دهد که تاثیر تعدیل گری تیپ شخصیتی برون گرایی بر رابطه ساختار حاکمیت شرکتی با خطر حساسیتی در حد متوسط بوده که تقریباً ۶۱ درصد از تغییرات رابطه ساختار حاکمیت شرکتی بر خطر حساسیتی را تحت پوشش قرار می دهد. مقدار ضریب مسیرها منفی و مثبت بوده که نشان دهنده تاثیر مستقیم و معکوس تیپ شخصیتی برون گرایی بر رابطه ساختار حاکمیت شرکتی با خطر حساسیتی است. همچنین مقدار آماره t و سطح معناداری متغیر تیپ شخصیتی برون گرایی بر رابطه مالکیت نهادی برخطر حساسیتی در حد قابل قبول قرار دارند و بنابراین رابطه مورد نظر تایید می شود.

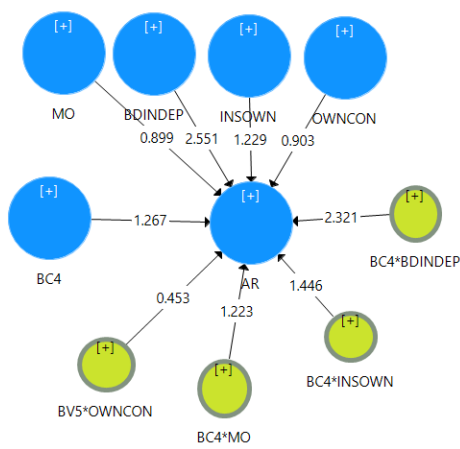
در فرضیه فرعی سوم از فرضیه اصلی دوم به بررسی تاثیر تیپ شخصیتی پذیرا بودن بر رابطه ساختار حاکمیت شرکت

معناداری متغیر تیپ شخصیتی برون گرایی بر رابطه تمرکز مالکیت بر خطر حسابرسی در حد قابل قبول قرار دارند و بنابراین رابطه مورد نظر تایید می شود.

در فرضیه فرعی چهارم از فرضیه اصلی دوم به بررسی تاثیر تیپ شخصیتی سازگاری بر رابطه ساختار حاکمیت شرکت بر خطر حسابرسی پرداخته شده است. شکل ۱۱ و ۱۰ مقادیر مربوط به ضرایب مسیر و مقدار آماره t را نشان می دهد.

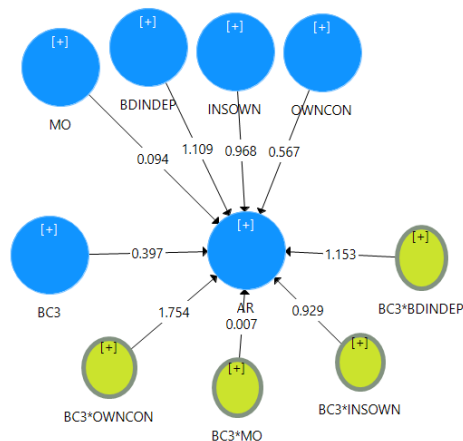


شکل (۱۰): ارزیابی ضرایب مسیر



شکل (۱۱): مقادیر آماره t

بر اساس اطلاعات مربوط به جدول ۸، مقدار R^2 نشان می دهد که تاثیر تعدیل گری تیپ شخصیتی سازگاری بر رابطه ساختار حاکمیت شرکتی با خطر حسابرسی در حد متوسط بوده که تقریباً ۶۱ درصد از تغییرات رابطه ساختار حاکمیت شرکتی بر خطر حسابرسی را تحت پوشش قرار می دهد. مقدار ضریب مسیرها منفی و مثبت بوده که نشان دهنده تاثیر مستقیم و معکوس تیپ شخصیتی سازگاری بر رابطه ساختار حاکمیت شرکتی با خطر حسابرسی است. همچنین مقدار آماره t و سطح

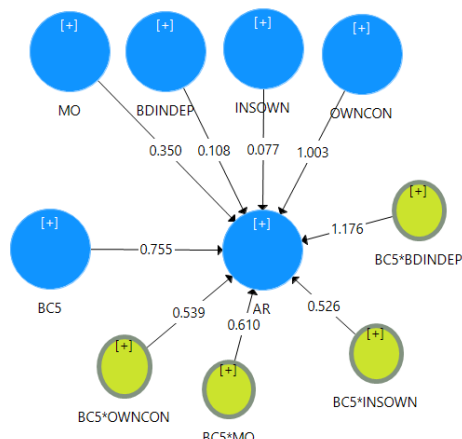


شکل (۹): مقادیر آماره t

جدول (۷) آزمون فرضیه فرعی سوم از فرضیه اصلی دوم با دخالت متغیر تعدیل گر

وضعیت	سطح معناداری	آماره t	ضریب مسیر	رابطه
رد	۰/۱۲۵	۱/۱۵۳	۰/۲۴۳	تاثیر تیپ شخصیتی پذیرا بون بر رابطه استقلال هیات مدیره بر خطر حسابرسی
رد	۰/۱۷۷	۰/۹۲۹	-۰/۲۲۲	تاثیر تیپ شخصیتی پذیرا بودن بر رابطه مالکیت نهادی بر خطر حسابرسی
رد	۰/۴۹۷	۰/۰۰۷	۰/۰۳۹	تاثیر تیپ شخصیتی پذیرا بودن بر رابطه مالکیت مدیریتی بر خطر حسابرسی
تایید	۰/۰۴۰	۱/۷۵۴	۰/۴۶۷	تاثیر تیپ شخصیتی پذیرا بودن بر رابطه تمرکز مالکیت بر خطر حسابرسی
۰/۵۲۹				ضریب تعیین R^2

بر اساس اطلاعات مربوط به جدول ۷، مقدار R^2 نشان می دهد که تاثیر تعدیل گری تیپ شخصیتی برون گرایی بر رابطه ساختار حاکمیت شرکتی با خطر حسابرسی در حد متوسط بوده که تقریباً ۵۳ درصد از تغییرات رابطه ساختار حاکمیت شرکتی بر خطر حسابرسی را تحت پوشش قرار می دهد. مقدار ضریب مسیرها منفی و مثبت بوده که نشان دهنده تاثیر مستقیم و معکوس تیپ شخصیتی برون گرایی بر رابطه ساختار حاکمیت شرکتی با خطر حسابرسی است. همچنین مقدار آماره t و سطح



شکل (۱۳): مقادیر آماره t

جدول (۹) آزمون فرضیه فرعی پنجم از فرضیه اصلی دوم با دخالت متغیر تعدیل گر

وضعیت	سطح معناداری	اماره t	ضریب مسیر	رابطه
رد	۰/۲۴۰	۱/۱۷۶	-۰/۲۴۷	تاثیر تیپ شخصیتی وجدانی بودن بر رابطه استقلال هیات مدیره بر خطر حساسی
رد	۰/۵۹۹	۰/۵۲۶	-۰/۱۳۵	تاثیر تیپ شخصیتی وجدانی بودن بر رابطه مالکیت نهادی بر خطر حساسی
رد	۰/۵۴۲	۰/۶۱۰	۳/۲۲۳	تاثیر تیپ شخصیتی وجدانی بودن بر رابطه مالکیت مدیریتی بر خطر حساسی
رد	۰/۵۹۰	۰/۵۳۹	۰/۱۸۱	تاثیر تیپ شخصیتی وجدانی بودن بر رابطه تمرکز مالکیت بر خطر حساسی
۰/۴۵۸				ضریب تعیین R2

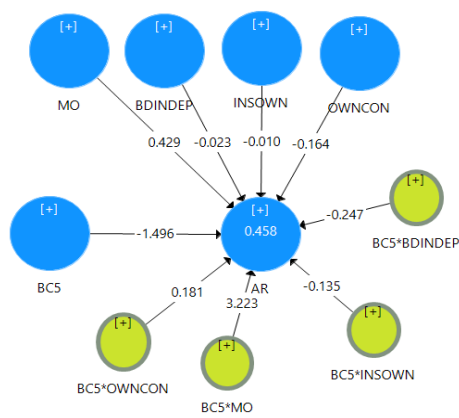
بر اساس اطلاعات مربوط به جدول ۹، مقدار R^2 نشان می دهد که تاثیر تعدیل گری تیپ شخصیتی وجدانی بودن بر رابطه ساختار حاکمیت شرکتی با خطر حساسی در حد متوسط بوده که تقریباً ۴۶ درصد از تغییرات رابطه ساختار حاکمیت شرکتی بر خطر حساسی را تحت پوشش قرار می دهد. مقدار ضریب مسیرها منفی و مثبت بوده که نشان دهنده تاثیر مستقیم و معکوس تیپ شخصیتی وجدانی بودن بر رابطه ساختار حاکمیت شرکتی با خطر حساسی است. همچنین مقدار آماره t و سطح

معناداری متغیر تیپ شخصیتی سازگاری بر رابطه استقلال هیات مدیره بر خطر حساسی در حد قابل قبول قرار دارند و بنابراین رابطه مورد نظر تایید می شود.

جدول (۸) آزمون فرضیه فرعی چهارم از فرضیه اصلی دوم با دخالت متغیر تعدیل گر

رابطه	ضریب مسیر	اماره t	سطح معناداری	وضعیت
تاثیر تیپ شخصیتی سازگاری بر رابطه استقلال هیات مدیره بر خطر حساسی	۰/۷۵۴	۲/۳۲۱	۰/۰۱۰	تایید
تاثیر تیپ شخصیتی سازگاری بر رابطه مالکیت نهادی بر خطر حساسی	-۰/۳۳۵	۱/۴۴۶	۰/۰۷۴	رد
تاثیر تیپ شخصیتی سازگاری بر رابطه مالکیت مدیریتی بر خطر حساسی	۷/۳۹۱	۱/۲۲۳	۰/۱۱۱	رد
تاثیر تیپ شخصیتی سازگاری بر رابطه تمرکز مالکیت بر خطر حساسی	۰/۱۵۳	۰/۴۵۳	۰/۳۲۵	رد
۰/۶۱۳				ضریب تعیین R2

در فرضیه فرعی پنجم از فرضیه اصلی دوم به بررسی تاثیر تیپ شخصیتی وجدانی بودن بر رابطه ساختار حاکمیت شرکتی بر خطر حساسی پرداخته شده است. شکل ۱۲ و ۱۳ مقادیر مربوط به ضرایب مسیر و مقدار آماره t را نشان می دهد.



شکل (۱۲): ارزیابی ضرایب مسیر

معناداری متغیر تیپ شخصیتی وجدانی بودن بر رابطه ساختار حاکمیت شرکتی بر خطر حسابرسی در حد قابل قبول قرار ندارند و بنابراین رابطه مورد نظر رد می شود.

جمع بندی و تفسیر

با توجه به نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آماری اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از رگرسیون خطی چند متغیره نشان دهنده آن است که بین مالکیت مدیریتی و خطر حسابرسی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. چنین سهامدارانی درصد قابل توجهی از سهام شرکت را در اختیار دارند که به نوبه ی خود می توانند اداره شرکت را در دست گیرند. لذا سبب کاهش تضاد نمایندگی شده و در نتیجه منجر به اطلاع رسانی بیشتر می گردند. بنابراین تحقیق حاضر بر نقشی که انتظار می رفت این ویژگی حاکمیت شرکتی در کاهش رفتارهای فرصت طلبانه مدیران و خطر حسابرسی داشته باشد تأکید می کند. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش زکی زاده و همکاران (۱۳۹۸) مطابقت ندارد.

نتایج نشان داد بین استقلال هیات مدیره و خطر حسابرسی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. از دیدگاه تئوری نمایندگی حضور اعضای غیر موظف در ساختار هیات مدیره شرکت ها به کاهش تضاد منافع مدیران و ذی نفعان کمک می کند و به لحاظ نظری به دلیل عدم وجود تضاد منافع و داشتن استقلال بیشتر، اعضای غیر موظف هیات مدیره گرایش بیشتری برای حمایت از حسابرسان در هر مناقشه با مدیریت دارند.

اگر چه بین تمرکز و خطر حسابرسی رابطه معناداری یافت نشد. اما ضریب منفی این متغیر نشان می دهد که زمانی که مالکیت سهامداران عمده به بیش از سطح خاصی می رسد، سهامداران عمده ی دیگر انگیزه ای برای رفتارهای به زیان شرکت ندارند. زیرا نگرانی از زیان زیاد از سهام شرکت، باعث می شود که عواقب ناشی از تصمیماتشان متوجه خودشان شود. از این رو در این شرایط تلاش می کنند که از طریق نظارت بهتر بر مدیریت و یا حضور در مدیریت شرکت ارزش آن را به حداکثر برسانند. لذا این یافته با مبانی نظری مطابقت دارد. همچنین بین مالکیت نهادی و خطر حسابرسی رابطه معناداری یافت نشد. اما ضریب منفی آن، با فرضیه نظارت فعال مطابقت دارد که بیان می کند؛ سهامداران عمده شرکت، از قدرت رأی دهی خود در جهت نظارت فعال بر عملیات شرکت و تصمیم گیری بهتر استفاده می نمایند. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش زکی زاده و همکاران (۱۳۹۸) مطابقت ندارد.

نتایج پژوهش نشان داد که تیپ های شخصیتی مدیران در مجموع ارتباط معناداری در رابطه ساختار حاکمیت شرکتی

و خطر حسابرسی دارد. تیپ های شخصیتی توضیح دهنده رفتار مدیران می باشد. صفات شخصیتی در مدیران، رابطه معنی داری با قضاوت و تصمیم گیری آن ها دارد. علاوه بر این گزارش های مالی بازتاب نتایج عملکرد مدیران را نشان می دهد و می تواند انگیزه ای برای مدیران به منظور رسیدن به فرصت های مناسب و منافع شخصی ایجاد کند (دسوزا و ولیم، ۲۰۱۵). حاکمیت شرکتی و تیپ های شخصیتی مدیران، در تعامل اجتناب ناپذیر هستند. در واقع نتایج پژوهش های متعدد حکایت از تاثیر تیپ شخصیتی، ادراک و حافظه مدیران در تصمیمات و اداره شرکت ها و پیاده سازی حاکمیت شرکتی دارد.

با توجه به توضیحات گفته شده در بالا، به طور خاص ویژگی های شخصیتی پذیرا بودن، برون گرایی سازگاری و روان رنجوری به ترتیب بر رابطه تمرکز مالکیت، استقلال هیات مدیره و مالکیت نهادی با خطر حسابرسی تاثیر معناداری دارند؛ لذا با افزایش سطح ابعاد تیپ های شخصیتی بر شمرده در بالا به عنوان یک متغیر تعدیل گر، ارتباط قوی بر این رابطه دارد.

مدیران با تیپ شخصیتی برون گرایی، محیط اجتماعی مثبت تری ایجاد می کنند و به پیوندهای اجتماعی قوی تری دست می یابند، و دیگران را ترغیب می کنند تا اهداف جمعی را دنبال کنند. از طرفی مدیران برون گرا به جهت اجتماعی بودن در تعامل بیشتری با ذی نفعان شرکت می باشند. بنابراین می توانند محیط اطلاعاتی شرکت را بهبود بخشند و بدین ترتیب منجر به تحلیل بهتر و بیشتر سرمایه گذاران شوند. همچنین تیپ شخصیتی سازگاری، تفاوت های فردی در رابطه با همکاری های اجتماعی را منعکس می کنند. این افراد به آسانی اعتماد دیگران را به خود جلب می کنند. افرادی که از سازگاری با موقعیت بالایی برخوردارند، در موقعیت های مختلف به طور مستقل به کارهای شان می پردازند و بقدر کافی به خود متکی هستند، به قضاوت های خویش اطمینان داشته و در ارتباط با تصمیمات شان احساس مسئولیت می کنند. با توجه به رابطه منفی بین استقلال هیات مدیره و خطر حسابرسی با وارد شدن متغیر تعدیل گر این رابطه قوی می شود.

افراد با تیپ شخصیتی پذیرا بودن، مایل به پذیرش عقاید جدید و ارزش های غیر متعارف هستند و آماده پذیرش عقاید سیاسی و اجتماعی و اخلاقی جدید هستند. آنها سادگی و وضوح را بر پیچیدگی و ابهام ترجیح می دهند. با توجه به رابطه منفی بین تمرکز مالکیت و خطر حسابرسی با وارد شدن متغیر تعدیل گر این رابطه قوی می شود. روان رنجورها کسانی هستند که ثبات احساسی ندارند و برای حل صحیح مشکلات زندگی خود فعالیت لازم و مطلوب ندارند. از طرفی بیشتر در تلاش برای دستیابی به

بعضا در صنایع مختلف متفاوت و متنوع است، لذا برای رفع این محدودیت، انحراف از قوانین و مقررات به تفکیک هر صنعت انجام شده است.

فهرست منابع

- * ایمر ، فرشید و گرکز، منصور.(۱۳۹۷). بررسی رابطه بین سه گانه تاریک شخصیت با تصمیم گیری فرصت طلبانه مدیران مالی در حسابداری و مجله ی پیشرفت های حسابداری دانشگاه شیراز. دوره ی دهم . شماره ی اول . پیاپی ۷۴/۳. صص ۲۶۵-۲۹۳.
- * احمدزاده، طه؛ خیرالهی، فرشید؛ شاه ویسی، فرهاد و طاهرآبادی، علی اصغر.(۱۳۹۶). بررسی رابطه بین ابعاد شخصیتی و نوع جنسیت با رفتارهای کاهنده کیفیت حساسی. مجله حسابداری سلامت. سال ششم . شماره دوم. پیاپی ۱۸. صص ۱-۲۳.
- * حساس یگانه، یحیی، داداشی، ایمان(۱۳۸۹). تاثیر حاکمیت شرکتی بر تصمیمات حسابرسان درباره ریسک و برنامه ریزی. پژوهشنامه حسابداری مالی و حساسی. دوره ۲، شماره ۵، صص ۶۶-۴۱.
- * زارع بهرام آبادی، مهدی(۱۳۹۳). رابطه ویژگی های شخصیتی ، حمایت اجتماعی و تعارض متقابل کار- خانواده با تحلیل عاطفی معلمان. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی ، سال پنجم، شماره ۱۷، صص ۱-۲۲.
- * زکی زاده ، محمد امین. رضایی ، فرزین، نوروش، ایرج(۱۳۹۸). شناسایی خطر حساسی، مبتنی بر مدیریت خطر جامع و راهبری شرکتی. مجله مدیریت توسعه و تحول. شماره ۳۶. صص ۲۳-۱۱.
- * عباس زاده، محمدرضا؛ منظرزاده، هاشم.(۱۳۹۰). بررسی احتمال صدور گزارش مقبول حسابرسان مستقل با استفاده از خصوصیات هیئت مدیره شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی های حسابداری و حساسی. دوره ۱۸. شماره ۶۳. صص ۹۵-۱۱۲.
- * گرد، عزیز؛ محمدی، منصور و گل دوست، مجید.(۱۳۹۴). بررسی رابطه بین ویژگی های حاکمیت شرکتی و وجه نقد نگهداری شده. بررسی های حسابداری و حساسی، دوره ۲۲، شماره ۲، صص ۲۷۸-۲۶۳.
- * متقی ، علی اصغر؛ غریب، حجت؛ قوی پنجه ، رامین.(۱۳۹۶). تاثیر سازوکار حاکمیت شرکتی بر واکنش سرمایه گذاران در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش حسابداری. شماره ۲۴. صص ۱۳۹-۱۵۵.

اهداف شخصی، خود محدود و خودخواهانه هستند و به دنبال هدف های برتری جویی هستند. با توجه به رابطه منفی بین مالکیت نهادی و خطر حساسی با وارد شدن متغیر تعدیل گر این رابطه قوی می شود .

بنابریافته های پژوهش حاضر، پیشنهاد می گردد که سرمایه گذاران در بازار سهام قبل از انجام معامله ، تصمیمات سرمایه گذاری خود را بهبود بخشند و اطلاع بیشتری از شکل تاثیرگذاری انواع مالکین حاضر در شرکت ها بر امور شرکت مورد نظر خود داشته باشند. پیشنهاد می شود همچون سایر کارکنان که بر اساس آئین نامه های استخدامی شرکت ها در زمان به کارگیری، موظف به انجام آزمایش های طب کار و ارائه گواهی سلامت می باشند؛ تیپ های شخصیتی افراد مورد نظر برای تصدی سمت های مدیریتی با استفاده از روش های موجود، توسط متخصصان روانشناسی مورد ارزیابی قرار گیرد. و همچنین بررسی علوم روانشناسی، روانشناختی و تحلیل رفتاری، به عنوان علوم پایه، می تواند در تحلیل رفتارهای مدیران سودمند باشد. نتایج این پژوهش همچنین این قضیه را تأیید می کند که استقلال هیأت مدیره باعث کاهش خطر حساسی می شود. با توجه به نتایج این پژوهش پیشنهاد می شود شرکت با افزایش استقلال هیأت مدیره، هزینه های نمایندگی را کاهش دهند. برای پژوهش های آتی پیشنهاداتی به شرح زیر ارائه می شود:

- ۱) بررسی ارتباط سایر متغیرهای حاکمیت شرکتی مانند وجود یا عدم وجود حساسی داخلی و یا اثر بخشی سیستم کنترل داخلی با خطر حساسی
- ۲) در این پژوهش جهت سنجش عوامل مؤثر بر شناسایی خطر حساسی، نسبت به انجام مصاحبه با خبرگان اقدام گردید و سپس با طرح سوالات بصورت زوجی بین خبرگان نسبت به تعیین اوزان عوامل اقدام شده است. پیشنهاد می شود در تحقیقات آتی با استفاده از مجموعه های فازی (فازی مثلثی ، فازی زنگوله و...) و شبکه های عصبی، اقدام به بررسی خطر حساسی نمایند.
- ۳) همچنین با توجه به تعداد محدود پژوهش های انجام شده در حوزه مالی رفتاری در کشور، به پژوهشگران آتی توصیه می شود تا تاثیر تیپ های شخصیتی مدیران بر کارایی سرمایه گذاری، کیفیت گزارشگری مالی و .. را بررسی نمایند.

در نهایت در این پژوهش ، با محدودیت جمع آوری داده ها بوسیله پرسش نامه و عدم همکاری برخی مدیران شرکت ها با پژوهشگر روبه روشد، لذا موجب شد برخی نمونه های انتخابی حذف شوند و نمونه های جدید جایگزین شود. و همچنین قوانین و مقررات

- * Jacoby, G., Liu, M., Wang, Y., Wu, Z., Zhang, Y. (2019), Corporate Governance, External Control, Public Governance, and Environmental Information Transparency: Evidence from Emerging Markets, *Journal of International Financial Markets, Institutions & Money*, Volume 58, pp. 269-283.
- * McCrae, R.R., and J.R. Costa. (1980). Openness to experience and ego level in loevinger's cent completion test: Dispositional contribution to developmental models of personality. *Journal of personality and social psychology* 39: 1179-1190.
- * McCrae, R.R., and P.T. Costa. (1996). Toward a new generation of personality theories: Theoretical contexts for the five-factor model. In J.S. Wiggins (Ed.), *The five-factor model of personality, theoretical perspectives*. New York, Guilford press.
- * Shafiee Sardasht, Morteza, Rashedi, Elham. (2018). Identifying Influencing Factors of Audit Risk Model: A Combined Fuzzy ANP-DEMATEL Approach. *The International Journal of Digital Accounting Research* Vol. 18, 2018, pp. 69-117 ISSN: 2340-5058.
- * Tuani, M. and Fang, H. and Rao, Z. Yousaf, S. (2015). The influence of Investor personality traits on information acquisition and trading behavior: Evidence from Chinese futures exchange. *Personality and individual differences* 87(2015) 248-255.
- * Xu Y, Carson E, Fargher N, Jiang L (2013). Responses by Australian auditors to the global financial crisis. *Account Finance* 53:301-338.
- * نادری، سپیده، بنی طالبی دهکردی، بهاره و احمد غضنفری (۱۳۹۵). بررسی تیپ های شخصیتی A,B,C,D حسابرسان بر محتوای گزارش حسابرسی. فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، شماره ۲۰، صص ۷۱-۸۶.
- * نریمانی، محمد، عینی، مجتبی، دهقان، حمیدرضا، غلامزاده، حانیه، صفاری نیا، مجید (۱۳۹۲) و مقایسه ی پنج عامل بزرگ شخصیتی و خودکارآمدی در دانش آموزان تیزهوش و عادی. *مجله ی روانشناسی مدرسه*، دوره ۲، شماره ۳، صص ۱۶۴-۱۸۰.
- * هیجرودی، فاطمه؛ دوستار، محمد و مرادی، محمود. (۱۳۹۷). تحلیل تعدیل گری مدل پنج عاملی شخصیت بر تاثیرگذاری کسب اطلاعات مالی بر رفتار سرمایه گذاران در بورس اوراق بهادار تهران. *فصل نامه علمی پژوهشی دانش سرمایه گذاری*. دوره ۷، شماره ۲۵، صص ۶۰-۳۹.
- * Ashton MC, Lee K, Vernon PA, Young L. (2014). Fluid intelligence, crystallized intelligence, and the openness/ intellect factor. *J Res Pers.* 2000; 34(2): 198-207.
- * Costa P, McCrae R. Revised NEO Personality Inventory (NEOPI-R) and NEO Five-Factor Inventory (NEOFFI) Professional Manual. Odessa: Psychological Assessment Resources, Inc 1992.
- * Cohen J, Krishnamoorthy G, Wright AM (2002). Corporate governance and the audit process. *Contemp. Account Res.* 19:573-594.
- * Cassell CA, Giroux GA, Myers LA, Omer TC (2012). The effect of corporate governance on auditor-client realignments. *Audit. J. Pract. Theory* 31:167-188.
- * Demartini, Chiara , Trucco, Sara. (2016). Audit risk and corporate governance: Italian auditors' perception after the global financial crisis. *African Journal of Business Management*. Vol. 10(13), pp. 328-339.
- * Duellman, S., Hurwitz, H., and Sun, Y. (2015). Managerial Overconfidence and Audit Fees. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, Vol. 11, No. 2, pp. 148-165.
- * Divesh S. Sharma, El'fred Boo and Vineeta D.Sharma, (2008), "The Impact of Corporate Governance on Auditors' Client Acceptance, Risk and Planning Judgments." *Accounting and Business Research*, vol.38. No. 2. pp. 105-120.
- * Financial Reporting Council (2008). *The audit quality framework*.
- * Gull AA, Saeed A, Abid A (2013). Corporate governance and performance: An empirical evidence from textile sector of Pakistan. *African Journal of Business Management* 7 (22), 2112-2118.
- * Graham, J. R.; Harvey, C. R.; and M. Puri (2013). Managerial Attitudes and Corporate Actions, *Journal of Financial Economics*, 109 (1), 103-121.
- * Ham. C., Lang, M., Seybert, N., & Wang. S. (2017). CFO narcissism and financial reporting quality. *Journal of Accounting Research*, 55(5), 1089-1135.



Accounting Knowledge & Management Auditing

Vol. 11/ No. 42/ Summer 2022

Structural Equation Modeling Approach to Audit Risk Testing Affected by Personality Types and Corporate Governance Structure

Radman Malihi Shoja

Department of Accounting, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
radmanshoja@gmail.com

Zahra Lashgari

Department of Accounting, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)
zahra.lashgari@gmail.com

Negar Khosravipour

Department of Accounting, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
n-khosravipour@yahoo.com

Abstract

Risk-based auditing involves significant professional judgment in assessing the risk of material misstatement and identifying adequate and appropriate tests to achieve the desired level of audit risk. To assess the optimal level of audit risk, corporate governance structures are at risk of control. Which seems to be determined by management's attitude and personality towards internal controls and the quality of corporate governance. To this end, standard deviations from standards and norms, corporate pricing structure and the NEO Five-Person Scale were measured through the NEO Personality Inventory. Then, the importance of audit risk criteria was determined by paired questions and hierarchical analysis (AHP). The case study of this study is all companies listed in Tehran Stock Exchange in the year 1396. To test the conceptual model of research the structural equation modeling method with variance based on PLS software was used. The findings of the study indicate that there is a negative and significant relationship between board independence, managerial ownership, and audit risk. There is a negative relationship between institutional ownership, ownership concentration, and non-meaningful personality traits. There is a positive and significant relationship between board independence, institutional ownership, and ownership concentration with audit risk. Personality type and conscientiousness have no significant moderating role on the above relationships.

Keywords: Audit Risk, Corporate Governance Structure, Personality types of Managers

